



جایگاه نظریه رد مازاد فرض به زوجه در فقه امامیه^۱

دکتر سید ابوالقاسم نقیبه

استادیار مدرسه عالی شهید مطهری^۲

چکیده

فقه‌های امامیه درباره میراث زوجه از زوج معتقدند زوجه در فرضی که فرزند داشته باشد یک هشتم و در صورتی که فرزند نداشته باشد یک چهارم را به فرض ارث می‌برد ولی آنان در موردی که زوج وارث دیگری غیر از زوجه نداشته باشد، اختلاف نظر دارند، برخی بر این باورند که مازاد فرض زوجه از آن امام معصوم (علیه السلام) است و بعضی معتقدند که به فقرای محل زندگی زوج متوفی داده می‌شود و برخی آن را در عصر حضور از آن امام معصوم و در عصر غیبت از آن زوجه دانسته‌اند.

فقه‌های امامیه برای نظریات خویش به روایات استناد نموده‌اند و بنابراین مهمترین مستند آرای مذکور روایات می‌باشد. در این نوشتار، نظریه تفصیل (رد مازاد فرض به امام در عصر حضور و رد آن به زوجه در عصر غیبت) محصول جمع مقبول بین روایات به شمار آمده است.

واژگان کلیدی

میراث، زوج، زوجه، فرض، رد، ربع، ثمن، ماترک

۱- کار ارزیابی مقاله در تاریخ ۸۴/۹/۱۰ آغاز و در تاریخ ۸۴/۹/۲۰ به اتمام رسید.

۲- معاونت پژوهشی مدرسه عالی شهید مطهری



یکی از مباحث در زمینه میراث زوجه، صورتی است که زوجه تنها وارث زوج باشد. بسیاری از فقها بر این باورند که (ربع) ماترک زوج به عنوان فرض به زوجه داده می‌شود و بقیه به استناد روایات متضمن قاعده کلی «الامام وارث من لاوارث له» از آن امام (علیه السلام) می‌باشد. بدین جهت قانون مدنی در ماده ۹۴۹ مقرر نموده است «در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می‌برد و لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود» یعنی «در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است».

در مقابل این نظریه، عده دیگر از فقیهان امامیه معتقدند که باید مازاد بر فرض را بین فقرا و محل زندگی زوج تقسیم نمود و برخی بر این باورند که باید آن را به بیت المال سپرد و بعضی نیز معتقدند در عصر حضور مازاد از فرض از آن امام است ولی در عصر غیبت تمامی ترکه به زوجه داده می‌شود. هر یک از نظریات یاد شده بر استدلال‌هایی مبتنی است که بررسی اجمالی آنها در این نوشتار مورد نظر است. لذا بایسته است که مبانی فقهی هر یک از نظریات مذکور ارائه شود و مورد بررسی قرار گیرد.

۱- نظریه رد مازاد فرض به امام (علیه السلام)

از نظریات مهم در زمینه مبحث میراث زوجه است که در فقه امامیه طرفداران فراوانی دارد. مهمترین استدلال این نظریه، روایاتی هستند که از معصوم (علیه السلام) صادر شده‌اند. آن روایات عبارتند از:

۱-۱- محمد بن نعیم صحاف می‌گوید: محمد بن ابی عمیر بیاع سابری فوت نمود و مرا وصی خویش قرار داد و وارثی غیر از یک زن بجای نگذاشت. به امام کاظم (علیه السلام) نامه نوشتم؛ آن حضرت در جواب نوشتند به زن از ماترک سهم او را بده و بقیه آن را به سوی من بفرست (الحر العاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ص ۲، ح ۵۱۵).

۱-۲- ابو بصیر می‌گوید امام باقر (علیه السلام) در زمینه احکام فرایض، بر من قرائت



فرمود که اگر زنی فوت نماید و زوج او تنها وارث او باشد، تمام ترکه برای زوج اوست و چنان که مردی فوت نماید و زنی بجای گذارد، رُبع ماترک برای زن بوده، بقیه از آن امام (علیه السلام) می باشد (الحر العالمی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ح ۳، ص ۵۱۵).

۳-۱- ابو بصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت درباره مردی که فوت می کند و همسری بجای می گذارد، فرمود برای زن ربع ترکه است و مابقی برای امام (علیه السلام) می باشد (ممو، ح ۴).

۴-۱- محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت در مورد مردی که فوت می نماید و همسری بجای می گذارد، فرمود برای زن ربع ترکه است و مابقی برای امام می باشد (ممو، ح ۵).

۵-۱- محمد بن مروان از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت در مورد مردی که فوت می نماید و همسری بجای می گذارد فرمودند: برای زن ربع ماترک است و مابقی برای امام می باشد (ممو، ح ۷، ص ۵۱۴).

۶-۱- ابو بصیر می گوید از امام باقر (علیه السلام) در مورد زنی سؤال کردم که فوت نمود و وارثی غیر از همسرش نداشت امام فرمود اگر کس غیر از او نباشد، همه برای شوهر است و ربع ماترک نیز برای زوجه بوده، بقیه از برای امام خواهد بود. مرحوم صدوق این روایت را در کتاب «من لایحضره الفقیه» نقل نموده، آن را مختص عصر حضور معصوم (علیه السلام) دانسته است (ممو، ح ۸).

در یک جمع بندی، روایات مذکور از نظر سند معتبر می باشند و مدلول تمامی روایات مذکور به صراحت و روشنی بر رد مازاد فرض بر امام دلالت دارد. بنابراین تردیدی در رد مازاد فرض بر امام وجود ندارد، ولی اینکه قلمرو زمانی آن آیا مربوط به حضور معصوم (علیه السلام) است یا در عصر غیبت نیز می توان آن را از آن امام به شمار آورد، سؤالی است که با جمع روایات، باید بدان پاسخ گفت. بهر حال مهمترین مبنای فقهی ماده ۹۴۹ قانون مدنی همین روایات هستند که مازاد فرض را از آن امام می دانند. علاوه بر روایات، چه بسا به اجماع فقیهان استناد شود که با وجود روایات مذکور، اجماع مدرکی بوده و از اعتبار مستقل



برخوردار نمی‌باشد. از نظر صغروی نیز با وجود نظریات دیگر در فقه امامیه می‌توان در تحقق اجماع مناقشه نمود. تعداد زیادی از فقهای امامیه مازاد بر فرض را از آن امام دانسته‌اند. این نظریه در میان متقدمان و نیز متأخران فرض زیادی دارد.^۱

از لوازم نظریه‌ای که مازاد فرض را از آن امام معصوم (علیه السلام) می‌داند این است که امام (علیه السلام) می‌تواند آن را به فقرای محل زندگی زوج متوفی یا حتی زوج اعطا نماید یا در بیت‌المال برای مصارف مربوط اختصاص دهد.

۲- نظریه رد مازاد فرض به فقرای محل زندگی زوج

برخی از فقهای امامیه رد مازاد فرض به فقرا را نخست به عنوان یک فرضیه مطرح نموده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷هـ.ج، ج ۱۱، ص ۴۳۳). ولی با عنایت به روایات موجود می‌توان آن را به صورت یک نظریه طرح نموده، مورد نقد و بررسی قرار داد. روایات ناظر به اثبات رد مازاد فرض به فقرای محل زندگی زوج به شرح ذیل می‌باشد:

الف - محمد بن حمزه علوی به ابو جعفر ثانی امام جواد (علیه السلام) نامه‌ای نوشت که فردی از موالی شما مقدار یک صد درهم مالی به من وصیت نمود و من از او شنیدم که می‌گفت هر مالی که از آن ماست، از آن مولای ماست. او فوت نموده و صد درهم بر جای نهاده است در حالی که درباره چگونگی توزیع این ماترک چیزی نگفته است. او دو زن دارد که یکی از آنها در بغداد است و من مکان زندگی او را نمی‌دانم، و زن دیگر در قم می‌باشد؛ درباره این صد درهم چه دستوری

۱- مؤلف «مفتاح الکرامه» در تبیین نظریه عدم رد مازاد فرض به زوج می‌نویسد: «این نظریه مذهب مفید در کتاب «الاعلام»، شیخ در «ایجان»، علی بن الحسین در رساله‌ای که برای فرزندش نوشته، محمد بن علی در «المقنع»، قاضی و تقی و کیدری بنا بر نقلی که از آنها شده است، سید و شیخ در «الانتصار» و «المبسوط» و «النهایه» و ابن حمزه و ابن زهره و ابن ادریس و محقق و شاگردانش در «کشف رموز»، علامه در «المختلف» و فرزندش فخر المحققین در «الایضاح»، شهید اول و ثانی در «الدروس» و «غایه المراد» و «المسالک» و «الروضه» و صاحب «المجمع» و صاحب «الکفایه» و «المفاتیح» می‌باشد (مرورید، بی‌تا، ج ۶۱، ص ۲۸۱).



می‌فرمایید؟ امام (علیه السلام) نوشتند به دو زن آن مرد حقشان را که اگر فرزند داشته باشند یک هشتم و اگر نداشته باشند یک چهارم می‌باشد، پرداخت کن و بقیه ماترک را به نیازمندان عطا کن (الحر العالمی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ص ۱، ص ۵۱۴).

ب - محمد بن حسن طوسی در «النهایه» نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) میراث کسی را که وارث نداشت به فقرا و ضعفای اهل بلد او اعطا می‌فرمود (طوسی، ۱۴۰۰ هـ، ص ۶۷۱).

ج - از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که در عصر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مردی فوت کرد و وارثی از خود نگذاشت حضرت علی (علیه السلام) میراث او را به همشیره‌های او واگذار نمود (ممو، ص ۵۵۴).

در روایت محمد بن حمزه علوی احتمال می‌رود که مازاد فرض به حکم واقعی اولی از آن فقرای محل زندگی زوج باشد که به صورت صدقه به آنها داده می‌شود و همچنین احتمال دومی نیز به ذهن تبادر می‌نماید و آن اینکه این مال از آن امام معصوم (علیه السلام) است که او فرمان داده از مال خود به فقرای بلد زوج متوفی پرداخت شود. بنابراین با روایت مزبور نمی‌توان بر حکم واقعی اولی توزیع ماترک مازاد فرض بر فقرای محل زندگی زوج استدلال نمود. و روایت دوم نیز ناظر بیان توزیع میراث کسی است که اصولاً وارثی ندارد. و در روایت سوم آمده است «فدفع امیرالمؤمنین (علیه السلام) میراثه الی همشیره بیجه»^۱ محتمل است همشیره به معنای برادر و خواهر رضاعی باشد لذا جواز اعطای آن به برادر یا خواهر رضاعی از باب عنایت و تفضل امام علی (علیه السلام) یا اجازه آن حضرت قابل توجیه می‌باشد مرحوم شیخ صدوق میراث بدون وارث را در حضور امام (علیه السلام) برای او دانسته و در عصر غیبت برای فقرای اهل محل زندگی متوفی به شمار آورده است ولی این نحوه از جمع روایات پذیرفته نیست، زیرا اخباری که بر توزیع مازاد فرض برای فقرای اهل محل زوج دلالت دارند بر وجود و حضور امام (علیه السلام) صراحت دارند. در روایت محمد بن حمزه علوی امام صریحاً پرداخت



مازاد را صادر فرمودند و در دو روایت دیگر نیز امیرالمؤمنین (علیه السلام) شخصاً بدان مبادرت نموده‌اند. بنابراین روایات ظهور در زمان حضور دارند. از جمع بین این دسته از روایات و روایاتی که مازاد بر فرض را از آن امام دانسته‌اند، نتیجه می‌گیریم که در زمان حضور مازاد بر فرض از آن امام است که سیره معصومان علیهم السلام مصرف آن برای فقرای محل زندگی زوج متوفی بوده است.

۳- نظریه رد مازاد فرض به زوجه

کسانی که از نظریه رد مازاد فرض به زوجه جانبداری نموده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند، عده‌ای به طور مطلق رد مازاد فرض به زوجه را پذیرفته‌اند چنان که از ظاهر عبارت شیخ مفید در «المقنعه» چنین نظریه‌ای استظهار می‌شود. زیرا شیخ مفید نوشته است «انما لم يوجد مع الأزواج قریباً ولا نسیباً للمیت رد باقی التره که علی الأزواج» (مفید، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۴، ص ۶۸۷). کلمه زوج که جمع آن ازواج می‌باشد در زبان عرب برای زن و مرد هر دو استعمال شده است لذا مراد شیخ در این عبارت رد مازاد از فرض به زوج و زوجه هر دو می‌باشد.

عده‌ای دیگر معتقدند که زوجه تنها در زمان غیبت امام (علیه السلام) مازاد فرض را بصورت رد به ارث می‌برد که شیخ صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» (صدوق، ۱۴۰۴ هـ ج ۴، ص ۲۶۲) و علامه حلی در «التحریر» و «الارشاد» و شهید در «اللمعه» (جبعی‌العاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۴) و محقق ثانی در «حاشیه النافع» از این نظریه جانبداری نموده‌اند و شیخ طوسی در «استبصار» آن را محتمل دانسته است (طوسی، ۱۴۰۶ هـ ج ۴، ص ۱۵۱).

رد مازاد فرض به زوجه از نظریاتی است که در روایات بدان تصریح شده است. روایات مشتمل بر رد مازاد فرض به زوجه به شرح ذیل می‌باشد.

۱-۲- ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره زنی که فوت نموده و همسری از خود بجای گذاشته نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: همه مال برای شوهر می‌باشد. ابو بصیر همچنین می‌گوید عرض کردم مردی فوت می‌کند زنش تنها



وارث اوست، امام فرمود همه اموال برای زن می‌باشد (الحر العاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ص ۶، ص ۵۱۵).

۲-۳- ابو بصیر نقل می‌کند که به امام صادق (ع) عرض کردم مردی فوت می‌کند و تنها همسری بجای می‌گذارد. فرمود: همه مال برای زوجه می‌باشد (همو، ص ۵۱۶).

۳-۳- فضیل بن یسار بصری می‌گوید از امام رضا (ع) درباره مردی سؤال کردم که فوت می‌کند و همسری بجای می‌گذارد و خویشاوندی غیر از او ندارد؛ امام فرمود همه ترکه برای زن است (همو، ص ۵۱۷).

۴-۳- در «دعائم اسلام» آمده است امیرالمؤمنین درباره مردی که فوت نموده و وارثی غیر از زوجه نداشته، حکم فرمودند که تمامی اموال زوج از آن زوجه است. از چهار روایت مذکور دو روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) به صراحت و روشنی بر رد مازاد فرض به زوجه دلالت دارند.

روایت سوم منقول از امام رضا (ع) نیز بر رد مازاد به زوجه در فرض وجود رابطه خویشاوندی دلالت می‌نماید. برخی از فقیهان در جمع بین روایات معتقدند که روایاتی را که بصورت مطلق بر رد به زوجه دلالت دارند، باید بر موردی حمل نمود که علاوه بر زوجیت رابطه خویشاوندی نیز بین زوج و زوجه وجود داشته باشد (طوسی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۴، ص ۱۵۱). در روایت چهارم دو احتمال متصور است؛ نخست آنکه بین زوج و زوجه علاوه بر علقه زوجیت رابطه خویشاوندی نیز برقرار بوده است. دوم اینکه امام علی (ع) بر اساس مالکیتی که بر مازاد بر فرض داشته، آن را به زوجه اختصاص داده‌اند. با وجود دو احتمال از روایت چهارم نمی‌توان حکم اولی واقعی رد مازاد فرض به زوجه را استظهار نمود.

ممکن است اشکال شود که در متون حدیثی روایاتی وجود دارد که بر عدم اعطای مازاد به زوجه صراحت دارند. چنان که جمیل بن دراج از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود «لایکون الرد علی زوج ولا زوجة» (الحر العاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ص ۱۰، ص ۵۱۶) و هم چنین حدیث «عبدی» از حضرت



علی (علیه السلام) که می‌گوید آن حضرت فرمود «لا تزاد المرأة علی الربع ولا تنقص من الثمن» (الحر العاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ح ۱۱، ص ۵۱۶). با اعطای مازاد بر فرض به زوجه تنافی دارند. در پاسخ می‌توان گفت اولاً- برخی فقیهان روایت جمیل بن دراج را با عنایت به سلسله اسناد آن (حسن بن علی بن بنت الیاس و او از علی بن حسن) معتبر نمی‌دانند، زیرا طریقه منتهی به علی بن حسن از اعتبار لازم برخوردار نیست؛ بنابراین روایت مذکور مقطوعه تلقی و غیر معتبر می‌شود (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۱۱، ص ۴۲۹).

ثانیاً- روایت دوم ناظر به موردی است که زوج متوفی علاوه بر زوجه دارای وارث دیگر نیز باشد و روایت دیگر نیز در مقام بیان ارث زن در فرض عدم فرزند و وجود فرزند برای زوجه می‌باشد، نه در مقام بیان عدم ارث او از مازاد فرض.

۴- مقتضای جمع روایات

با نگاهی اجمالی به مدلول روایات در می‌یابیم که روایات با یکدیگر تنافی دارند، ولی با امعان نظر در روایات مذکور می‌توان این تنافی و تعارض ظاهری را رفع نمود، چنان که شیخ طوسی در کتاب «الاستبصار» معتقد است که به دو صورت این تعارض را می‌توان منتفی نمود؛ نخست اینکه روایاتی را که زوجه را محروم از مازاد فرض دانسته‌اند، مختص به عصر حضور امام بدانیم و بگوییم در زمان غیبت امام، دیگر ضرورتی بر محروم نمودن زوجه وجود ندارد، لذا در عصر غیبت می‌توان بقیه ماترک را به او اعطا نمود. چنان که مرحوم صدوق این وجه را برای جمع روایات برگزیده‌اند. دیگر اینکه روایاتی را که عنوان می‌کند بقیه ماترک باید به زوجه رد شود بر قرابت حمل نماییم؛ یعنی زوجه ربع را بنابر حقی که دارد، و بقیه را به قرابت دریافت می‌نماید (طوسی، ۱۴۰۶ هـ، ج ۴، ص ۱۵۱).

منطق فهم حدیث ایجاب می‌نماید که اگر بتوان بین روایات جمعی برقرار نمود، بدان مبادرت ورزید. بنابراین اخباری که بر رد مازاد بر امام (علیه السلام) و بر فقرا



دلالت دارند، ناظر به عصر حضور امام هستند که امام (علیه السلام) با توجه به ولایت خویش بر مازاد بر فرض، آن را به فقرای محل زندگی زوج متوفی اختصاص می‌دهد ولی روایاتی که مشتمل بر رد مازاد فرض به زوج هستند، ناظر به عصر غیبت تلقی می‌شوند.

۵ - اشکالات نظریه رد مازاد فرض به زوج

با امعان نظر در متون فقهی، مهمترین اشکالات مخالفان رد مازاد فرض بر زوج را می‌توان در موارد زیر جمع‌بندی نمود:

- ۱- عدم اعتبار روایات آحاد مورد استناد موافقان به رد مازاد فرض بر زوج.
- ۲- عدم جواز تصرف در اموال امام (علیه السلام).
- ۳- بطلان قیاس بر زوج.
- ۴- اصل عدم رد مازاد فرض بر زوج.

۵-۱- عدم اعتبار روایات آحاد مورد استناد موافقین به رد مازاد فرض به

زوج

قاضی ابن براج در زمینه رد مازاد بر فرض به زوج معتقد است آنچه در نزد من اولویت دارد، این است که به زن فقط به اندازه ربع پرداخت می‌گردد و چیز دیگری بر او رد نمی‌شود، زیرا اگر به روایت رد به زوج عمل شود در واقع به خبر واحدی عمل نموده‌ایم که هیچ قرینه‌ای معارض آن نیست (ابن براج، ۱۴۰۶، ص ۱۴۱). شیخ انصاری در این زمینه معتقد است که «مازاد فرض برای امام می‌باشد و ثبوت رد زاید بر فرضی که خداوند برای زوج قرار داده است، نیاز به دلیل دارد که آن نیز در بین نیست و این نظریه که زاید بر فرض از آن امام نباشد و به زوج تعلق بگیرد، نظریه‌ای است که فقط از شیخ مفید نقل شده و مستند آن روایتی است که به دلیل شاذ بودن، رد می‌شود. از سوی دیگر نقل شده است که شیخ مفید از قول خود برگشته است نظریه سومی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه در زمان غیبت مازاد فرض به زوج برگشت کند؛ این نظریه متعلق به صدوق و



جماعتی از متأخران است که برای آنان مستندی غیر از جمع میان اخبار وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۵هـ، ص ۱۸۴).

در پاسخ می‌توان گفت نظریه قاضی ابن براج تمام نمی‌باشد؛ زیرا چه بسا مستند این نظریه، روایت صحیحه ابی بصیر از امام باقر (علیه السلام) باشد که از نظر سند قابل اعتماد می‌باشد. علاوه بر آن جمع روایات ایجاب می‌نماید که مازاد فرض به زوج داده شود. در نظریه شیخ انصاری و دیگر فقیهانی که معتقدند مازاد فرض مطلقاً از آن امام (علیه السلام) است، روایات مشتمل بر رد مازاد بر فرض به زوج به ادعای شاذ بودن نادیده گرفته شده است و اصولاً به جمع روایات توجه کافی نشده است.

۵-۲- عدم جواز تصرف در اموال امام (علیه السلام)

ابن ادریس حلی در نقد نظریه شیخ طوسی در «استبصار» می‌نویسد «برخی از اصحاب در مقام جمع میان روایات حکم رد بر زوج را منحصر به عصر غیبت دانسته‌اند و لیکن این سخن بسیار بعید می‌باشد؛ زیرا این وجه جمع که شیخ طوسی ذکر نموده‌اند، نیاز به دلالت محکم داشته و برهان قوی می‌طلبد؛ زیرا اموال بنی آدم و آنچه که مال آنها می‌باشد، با غیبت آنها حلال نمی‌شود زیرا تصرف در مال غیر بدون اذن او عقلاً و نقلاً قبیح است» (حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۴۳). بنظر می‌رسد که استدلال ابن ادریس قابل مناقشه است، زیرا اولاً- چه بسا بتوان روایات مشتمل بر رد تمامی ماترک به زوج را به عنوان اذن امام (علیه السلام) برای تصرف در مازاد بر فرض در عصر غیبت توجیه نمود؛ ثانیاً- چگونه روایات متضمن رد مازاد فرض به زوج را مطلقاً نادیده گرفت؛ ثالثاً- ما می‌پذیریم که در فرض حضور امام معصوم (علیه السلام) مازاد بر فرض از آن حضرت خواهد بود، ولی در فرض غیبت یا باید مازاد فرض برای امام نگه داشته شود تا امام ظهور نماید که نگهداری این اموال با توجه به نیاز فقرا و سیره آن معصومان در واگذاری مازاد فرض به زوج و مانند آن موجه به نظر نمی‌رسد. و فرض دیگر اینکه مازاد میان فقرای محل زندگی زوج توزیع گردد. که در عصر غیبت دلیل قاطعی در



دست نمی‌باشد. زیرا روایات مربوط به توزیع بین فقرا محل زندگی میت منصرف به زمان حضور می‌باشد. در حقیقت امام خود رأساً با تصرف در مال خود آن را به فقرا محل زندگی میت اختصاص داده است این روش امام از شمول و قاعده کلی برخوردار نمی‌باشد. فرض سوم آن است که آن را به زوج اختصاص دهیم که در این فرض به روایات باب نیز عمل نموده‌ایم.

۵-۳- بطلان قیاس بر زوج

فقیهان امامیه بر رد مازاد فرض ترکه زوجه به زوج اجماع نموده‌اند (نجفی، ۱۳۲۷، ج ۳۹، ص ۲۹)، ولی چنانچه زوج فوت نماید و زوجه تنها وارث او باشد، نمی‌توان با استناد به حکم ارث زوج از مازاد فرض، برای زوجه نیز رد مازاد فرض را به رسمیت شناخت. زیرا این حکم از طریق قیاس حاصل شده است و قیاس نیز باطل می‌باشد.^۱ در پاسخ به استدلال مذکور می‌توان گفت، فقیهانی که به رد مازاد فرض به زوجه فتوی داده‌اند به قیاس استناد ننموده‌اند، بلکه از طریق جمع روایات به این نظریه دست یافته‌اند.

۵-۴- اصل عدم رد بر زوجه

اصل اولیه در ارث این است که هر یک از صاحبان فرض، به تعداد سهام خویش از ماترک میت ارث می‌برند و رد مازاد از فرض خلاف اصل است. به تعبیر دیگر اصل اولیه عدم رد است، مگر اینکه دلیل قاطعی در اختیار باشد. تا براساس آن وارثی به رد ارث ببرد. در فرضی که زوجه تنها وارث زوج متوفی باشد زوجه از ربع ماترک زوج به فرض ارث می‌برد و دلیلی که اقتضای رد مازاد را بر او داشته باشد، در اختیار نیست. در قرآن کریم برای تمامی صاحبان فرض از جمله زوجه سهم ارث تعیین شده است. برای اینکه بتوانیم به زوجه بیش از این میزان از ترکه پرداخت نماییم نیازمند به دلیل می‌باشیم و اگر هم مشاهده می‌شود که به زوج مازاد سهم الارث پرداخت می‌گردد بر

۱- ابن زهره در «غنیةالنزوع» وسید مرتضی در «انتصار» این نظریه را دارند. (سرورید، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۵ و ۲۶). ۸۵



اساس اخبار زیادی است که از طریق ائمه علیهم السلام وارد شده که برای زوج منفرد تمام ماترک اعم از فرض و رد را در نظر گرفته‌اند (نجفی، ۱۳۲۷، ج ۲۹، ص ۷۹). استدلال به اصل عدم رد به زوجه در صورتی قابل استناد است که با دلیل معارضه نکنند؛ رد بر زوجه اگر چه مخالف اصل است ولی به واسطه روایاتی ثابت شده است همان گونه که روایات رد بر زوج نیز علی‌رغم مخالفت رد مازاد فرض به زوج با اصل، آن را اثبات نموده‌اند. روایات مربوط به رد زوجه نیز چنین نقشی را ایفا می‌نمایند.

۵-۵ - مازاد بر فرض از آن بیت المال است نه زوجه

برخی از فقیهان هم چون سلار و راوندی و محقق اردبیلی رد مازاد فرض بر زوجه را نپذیرفته و مازاد را از آن بیت‌المال دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱۱، ص ۴۳؛ مروارید، بی‌تا، ج ۹۷-۹۸، ص ۱۰۸ و ۲۲۷).

استدلال مذکور نیز تمام نمی‌باشد، زیرا اولاً- روایات معارض با نظریه مذکور وجود دارد؛ ثانیاً- روایات مربوط به پرداخت مازاد فرض به فقرای محل زندگی زوج منصرف به ائمه امام (علیهم‌السلام) در عصر حضور معصوم می‌باشد. نمی‌توان از آن حکم اولی واقعی اختصاص مازاد بر فرض را برای بیت المال استظهار نمود. ثالثاً- چه بسا مراد از رد به بیت‌المال همانا رد مازاد فرض به امام (علیهم‌السلام) باشد که منصرف به زمان حضور می‌باشد.

نتیجه‌گیری

- ۱- در زمینه میراث زوجه از زوج در فرض عدم وارث دیگر برای زوج به نص قرآن کریم، زوجه ربع ترکه زوج را به عنوان فرض، به ارث می‌برد.
- ۲- در زمینه مازاد بر فرض، روایات متفاوت و در نتیجه آرا و انظار مختلفی در فقه امامیه وجود دارد. آن نظریات عبارتند از:
 - الف- اختصاص مازاد بر فرض برای امام معصوم (علیهم‌السلام).
 - ب- اختصاص مازاد بر فرض برای فقرای محل زندگی زوج.



ج - اختصاص مازاد فرض از آن امام (علیه السلام) در عصر حضور و از آن زوجه در عصر غیبت.

د - جمع روایات در زمینه میراث زوجه از زوج ایجاب می‌نماید که مازاد فرض در عصر حضور از آن امام معصوم (علیه السلام) باشد و در عصر غیبت به زوجه اختصاص یابد.

ز - رد مازاد فرض به زوجه در فرض حضور امام معصوم (علیه السلام) با صلاحدید ایشان و در فرض غیبت با اننی که امام معصوم در روایات صادر فرموده‌اند، صورت می‌پذیرد.

و - نظریه رد مازاد فرض به زوجه با در نظر گرفتن روایات مستفیضه رد مازاد به زوجه به امام مورد اقبال فقهای مشهور امامیه قرار نگرفته است و بسیاری از آنان آن را نقد نموده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



منابع و مأخذ

- ✓ ابن البراج، القاضى، المهنذب، قم، نشر جامعه المدرسين، ١٤٠٦هـ
- ✓ ابن زهره، حمزه بن على، غنيه النزوع الى علمى الاصول و الفروع، قم، مؤسسه الامام الاصادق، ١٤١٧هـ
- ✓ انصارى، مرتضى، الوصايا و المواريث، قم، المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئويه الثانيه لميلاد الشيخ الانصارى، ١٤١٥هـ
- ✓ جبعى العاملى، زين الدين، الروضه البهيه فى شرح اللغه دمشقيه، اصفهان، مكتبه الامام امير المؤمنين، بى تا
- ✓ الحر العاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا
- ✓ حلى، ابن ادريس، السرائر، قم مؤسسه النشر الاسلامى، بى تا
- ✓ المفيد، محمد بن محمد بن نعمان، القنعة، دار المفيد، بيروت، چاپ دوم، ١٤١٤هـ
- ✓ صدوق، محمد بن على بن الحسين، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٤هـ
- ✓ طوسى، محمد بن حسن، الاستبصار، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٠هـ
- ✓ همو، النهايه، بيروت، دار الاضواء، ١٤٠٦هـ
- ✓ العاملى، سيد محمد جواد، مفتاح الكرامه، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا
- ✓ المرواريد، على اصغر، الموسوعات الفقيهيه، بيروت، دار التراث، بى تا
- ✓ مقدس اردبيلى، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٧هـ
- ✓ نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام، قم، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٧هـ